

مقدمه

برای یافتن آقای میرحسینی - یکی از پیش کسوتان ورزش مدارس اصفهان - با محل های مختلفی تماس گرفتیم. انتظار دریافت شماره تلفن های سازمان های مختلفی را داشتیم؛ بجز کمیته امداد. بعد از تحقیق فراوان متوجه شدیم که ایشان با کمیته امداد امام خمینی (ره) منطقه یک اصفهان همکاری دارند و در آن جا مشغول هستند. شماره تلفن را گرفتیم تا قرار ملاقات بگذاریم. خیلی زود تماس ما برقرار شد و ایشان پذیرفتند که روز یکشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۷۹، در کمیته امداد امام خدمت ایشان برسیم. روز موعده به اتفاق همکار حکاسم وارد کمیته امداد منطقه یک اصفهان در خیابان صغیر شدیم، ما را به طبقه دوم و واحدی به نام جلب هدایای مردمی راهنمایی کردند. صفا، صمیمیت، بزرگ منشی، فروتنی و خلاصه همه خصایل نیکو در وجود استوار و با قوتی به نام سیدمجید میرحسینی در مقابلمان ظاهر شد. معلم ورزشی که آثار مفید ورزش قبل از هر چیزی در وجود خودش متجلی بود. چهره نورانی و بشاش؛ برخورد محبت آمیز و قامت استواری که دست کم در نگاه اول نشانی از غبار سالمندی نداشت، وی به سادگی و بی آلاچی گل های فرشی بود که بر روی آن نشیتم و گوش به زمزمه محبتش دادیم. بعد از ۳۶ سال سابقه معلمی و تربیت دانش آموزان بسیار، به دلیل ویژگی های شخصیتی، صداقت و امانت داری اش وظیفه جلب هدایای مردمی کمیته امداد امام را به عهده داشت. گرایش ایشان به معلمی، آن هم ورزش، به دلیل اعتقاد وی بود که ورزش به عنوان بهترین وسیله برای گرایش و هدایت جوانان به سوی معنویت و خداسست. در دوران دانش آموزی در مواد ۳۰۰۰ متر، ۵۰۰۰ متر و ۱۰۰۰۰ متر دویده بود و در سال ۱۳۴۴، به عنوان معلم ورزش به استخدام آموزش و پرورش درآمده بود. دوره های بین المللی مربیگری و داوری در رشته های فوتسال، هندبال و دو میدانی را زیر نظر مربیان خارجی طی کرده بود و... آنچه در ادامه مطالعه می کنید، حاصل مصاحبه ما با ایشان است.





دوروی سکه زندگی یک معلم ورزش: از تربیت امانت‌های مردم تا جذب هدایای مردم!

۱۳۴۷، با آمدن آقای پاولینگ، هندبال در ایران پا گرفت.

○ ضمن تشکر از این که فرصت این مصاحبه را فراهم کردید. لطفاً خودتان را معرفی کنید.

**ورزش،
بهترین وسیله
برای گرایش
دادن و
هدایت کردن
دانش آموزان
به سمت
معنویت و
خداست.**

○ تعریف شما از درس تربیت بدنی چیست؟

● تربیت بدنی درس کاملی است که تربیت جسم به همراه تربیت روح خواهد بود و بهترین روش انسان سازی است. **تربیت بدنی توام با معنویت یعنی انسان سازی کامل.** معلم تربیت بدنی و ورزش اگر بتواند این دو موضوع را با هم تلفیق کند و به بچه ها یاد بدهد، بالاترین خدمت را به جامعه کرده است.

○ یک معلم تربیت بدنی و ورزش چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

● تخصص و تبحر در رشته‌های ورزشی و اعتقاد کامل به شغلش. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. چون دانش آموزان به معلم ورزش نزدیک تر هستند و در فضای آزاد ورزش شخصیت و ماهیت درونی خود را خیلی زود فاش می‌سازند، معلم ورزش ضمن شناخت کامل از آنها می‌تواند برای برطرف ساختن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت آنها تلاش کند. باز

به ورزش با حضور در کلاس‌های تطبیقی تربیت بدنی و با طی حدود ۲۲۰ ساعت کلاس‌های تخصصی ورزش تغییر رسته دادم و در سال ۱۳۴۴، با عنوان معلم ورزش شروع به کار کردم. در طی دوران خدمت در دوره‌های مختلف ابتدایی، راهنمایی و تربیت معلم تدریس کرده‌ام. اعتقادم این بود که ورزش بهترین وسیله برای گرایش دادن و هدایت کردن دانش آموزان و جوانان به سمت معنویت و خداست. در دوران تدریس همواره سعی کردم صداقت و درست‌ی را به دانش آموزانم بیاموزم. دوره‌های مربیگری و داوری بین‌المللی در رشته‌های فوتبال، هندبال و دو میدانی را زیر نظر مدرسان خارجی مثل آقای اسکینر انگلیسی و پاولینگ فرانسوی گذرانده‌ام. آقای پاولینگ برای اولین بار هندبال را در ایران آموزش و رواج داد. البته قبل از ایشان آقای امیرتاش که در فرانسه تحصیل کرده بود این رشته را در ایران تدریس می‌کرد که به نام فوتبال هفت نفره دستی مشهور بود. در سال

● سیدمجید میرحسینی فرزند سیدرسول و معلم ورزش بازنشسته هستم. در سال ۱۳۷۳ قبل از مهرماه، بنا به تقاضای خودم با سی و شش سال و بیست روز سابقه بازنشسته شدم و با توجه به این که قبلاً با کمیته امداد همکاری داشتم، در بخش جلب هدایای مردمی کمیته امداد مشغول کار شدم. در سال ۱۳۳۷، وارد دانشسرای مقدماتی شدم. به دلیل علاقه‌ای که به ورزش داشتم در دوران دانشسرا در رشته دو میدانی زیر نظر مرحوم آقای کلاتر-دبیر ورزش دانشسرا-تعلیم دیدم. در همان سال عضو تیم اصفهان و آموزشگاه‌ها در مواد ۳۰۰۰ متر، ۵۰۰۰ متر و ۱۰۰۰۰ متر شدم و تا سال ۱۳۴۳، در خدمت تیم‌های اصفهان بودم و به دلیل گرفتاری‌های کاری، از جرگه ورزشکاری وارد جرگه مربیان شدم و بیشتر وقت خودم را صرف دانش آموزان کردم و به همین دلیل تحصیلاتم را هم ادامه ندادم و به دیپلم دانشسرا اکتفا کردم. من تحصیلات تربیت بدنی نداشتم ولی به دلیل علاقه‌ام

کرده‌اند. ولی می‌بینیم در مدارس ما اسم تربیت بدنی است ولی بیشتر به ورزش پرداخته می‌شود. به نظر شما کدام درست است. تربیت بدنی، ورزش یا هر دو؟

● همان تربیت بدنی درست است ولی در جامعه ما آن طور که شایسته است شناخته شده نیست. در برنامه درسی هم ورزش می‌نویسند. اگر تربیت بدنی خوب اجرا شود، خواسته جامعه هم که ورزش است برآورده می‌شود. در تربیت بدنی هدف، تربیت جسم و روح است ولی در ورزش بیشتر به پیروزی عضله‌ها و فوی کردن آن برای سرود و باخت است.



○ آیا به نظر شما ورزش برای تربیت بدنی ابزار است یا هدف ورزش است؟

● ورزش را ابزاری می‌دانیم که برای تربیت بدنی از آن استفاده می‌شود. تربیتی که شامل روح و جسم است.

○ نظر شما با توقع جامعه از ساعت ورزش (درس تربیت بدنی) متفاوت است. چون هر وقت مشکلی برای تیم‌های ملی پیش می‌آید، مسؤولان ورزش می‌گویند، ورزش ما در مدارس مشکل دارد. اصلاً مگر وظیفه ما به عنوان معلمان ورزش و کلاً درس تربیت بدنی، تربیت قهرمان بوده است؟

● مادر مدارس می‌توانیم پهلوان درست کنیم، یعنی کسی که در ابعاد روحی و جسمی تقویت شده است. توقع جامعه از ما هم همان ورزش پهلوانی است. یکی از مشکل‌های ما این است که توجه آن چنانی به ورزش دوره ابتدائی نمی‌شود و جایی که باید اساسی و پایه‌ای به بچه‌ها آموزش‌های لازم را

پیدا کردم متوجه شدم که از این راه خیلی می‌توان تأثیرگذار بود و ورزش وسیله خوبی است. در این درس، دانش‌آموز چون ماهیت جسمی و روحی خود و حتی استعدادهاش را بروز می‌دهد، باعث می‌شود معلم بتواند از این عوامل استفاده و برای تربیت دانش‌آموزان اقدام کند. من هم در مدارس پسرانه هم دخترانه کار کرده‌ام. مشکل‌های زیادی بود که حتی دخترها با توجه به این که می‌دانستند من صداقت دارم، با من مشورت می‌کردند و این بسیار مؤثر است و این تأثیر حتی تا سطح جامعه هم کشیده می‌شود. الان آن دانش‌آموزان دختری که اکنون مادر شده‌اند، بعضاً وقتی همراه همسر و فرزندان‌شان در خیابان مرا می‌بینند با من احوالپرسی می‌کنند. من حتی با ورزش در رابطه با حجاب دختران نیز اقدام‌هایی انجام دادم.

○ علمای تربیت بدنی؛ تربیت بدنی را علم تربیت از طریق حرکت و تعلیم حرکت و ورزش تعریف

هم تکرار می‌کنم که صداقت و درست‌ترین ابزار تربیت برای دانش‌آموزان است.

○ چقدر از آنچه را که گفتید، در حال حاضر معلمان رعایت می‌کنند؟

● نه این که نخواهند، بلکه مشکل‌ها و گرفتاری‌هایی که در زندگی پیش آمده، باعث شده است که کمتر توجه کنند. اگر معلم ورزش زمانی از وقت کلاس خودش را صرف آموزش کند، در همان جریان آموزش می‌تواند اهدافش را به دانش‌آموزان القا کند، ولی متأسفانه گرفتاری‌ها این اجازه را نمی‌دهد.

○ عنوان کردید: ورزش محاسنی دارد که می‌توان برای جلب توجه جوانان از آن استفاده کرد. آیا شما دارای این ویژگی‌های شخصیتی بودید که اکنون مورد قبول مردم شهر هستید و یا ورود شما به حوزه ورزش باعث بروز این ویژگی‌ها شد؟

● در جریان تجاربی که در زمینه ورزش

یکی از مشکل‌های ما بی‌توجهی به ورزش دوره ابتدائی است.



منتقل کنیم به حال خود را کرده ایم.

○ در دوران بازنشستگی و حتی قبل از آن در امور خیریه فعالیت داشته اید. می خواستم بدانم که آیا نقطه مشترکی بین شغل معلمی ورزش و این کار می دیدید که به آن پرداختید؟

● بله - کار خیر، همه اش به خاطر معنویت است و اگر معلم ورزش در این جهت هم حرکت کند، خیلی خوب است. چون معلم ورزش به بچه ها بیشتر نزدیک است و بچه ها مشکل های خود را با وی بیشتر در میان می گذارند، وی می تواند برای کمک به آنها کارهایی انجام دهد. من سعی می کردم از امور خیریه در بخش ورزش و از ورزش در بخش امور خیریه بهره بگیرم.

○ فکر می کنید اگر معلم درس دیگری بودید، باز هم این اتفاق می افتاد؟

● نمی دانم. البته برخی از معلمان دیگر هم هستند که در این زمینه فعالیت دارند. ولی آن طوری که معلم ورزش می تواند مؤثر باشد معلمان دیگر خیر، دلیلش هم نزدیکی بین معلم ورزش و دانش آموزان است.

○ کدام یک از وظایف شما را رضاء می کرد؟ آن وقت که معلم ورزش بودید یا الان که در امور خیریه فعالیت می کنید؟

● آن زمان که معلم ورزش بودم کاملاً ارضاء می شدم، مسلماً معلم ورزش بودن. چون آن موقع احساس می کردم تعداد آدم هایی که ذهن های پاک دارند بیشتر است و جامعه و آینده را در نظر داشتم و آنها را برای آینده می ساختم. بنابراین، بیشتر ارضاء می شدم. آن قدر با بچه ها بودم که بعضی ها می گفتند

مگر تو خانواده نداری؟ من در امور خیریه شاید بتوانم درصدی از مشکل های یک خانواده را حل کنم، اما نجات یک بچه و قرار دادن آن در مسیر درست، اهمیت بیشتری دارد و حتماً بیشتر هم مورد رضای خداوند است.

از این که شاگردانم اکنون مسئولیت های مهمی در استان دارند، احساس شور و شغف می کنم. در یکی از دبیرستان های اصفهان دانش آموز پسر داشتم که چاقو می آورد و وسط زمین فرو می کرد و نفس کش می طلبید. من با او خیلی صحبت کردم و از مسیری که دنبال کرده بود خارج کردم. چندین سال از این موضوع گذشت. یک روز با ماشینی به اتفاق خانواده در جاده ای در حال حرکت بودم که یک مرتبه یک تریلی جلوی ما پیچید و در عرض جاده قرار گرفت و جاده را کلاً بست. راننده از ماشینی پایین پرید و مرا از اتومبیل بیرون آورد و شروع کرد به بوسیدن صورتم.

متوجه شدم که این فرد همان دانش آموزی است که چاقو می آورد. به من گفت الان به جز این تریلی یک تریلی دیگری هم دارم و وضع مالی ام خوب است و همه اینها به لطف شماست و اگر آن وقت مرا راهنمایی نمی کردید، معلوم نبود الان کجا بودم. اینهاست که مرا از آنچه قبلاً بودم راضی می کند. نمونه دیگرش این بود که: در زمان گذشته، در محلی مشغول به کار شدم که بچه های دور خیابانی را آن جا جمع می کردند و چند معلم ورزش را به آن جا برده بودند و آنها بیشتر از یک هفته دوام نیاورده بودند. از بچه های ۷ تا ۱۸ ساله در این مکان نگهداری می شد. من دو سال آن جا کار کردم. در این مدت آن قدر به بچه ها نزدیک شده بودم که دلشان نمی خواست آن جا را ترک کنند. رفتارهای آنها اصلاح شده بود. چون با

صداقت با آنها رفتار کردم و از بین آنها حتی قهرمان وزنه برداری نیز بیرون آمد.

○ در دوران خدمت به عنوان معلم ورزش آیا لحظه ای برای شما پیش آمده است که به شغلی که دارید افتخار کنید؟

● بله، همان بچه ای که قهرمان وزنه برداری شد و در یک شب سه بار رکوردشکنی کرد، باعث افتخار من به شغلم شده بود. یا این که همان طوری که قبلاً اشاره کردم من دبیر ورزش مدارس دخترانه هم بودم. اغلب بعد از تمرین ها دانش آموزان را با اتومبیل خودم به خانه هایشان می رساندم. یک بار آخرین دختری را که پیاده کردم و در منزل آنها را زدم، مادرش آمد در را باز کرد، دیدم با مشاهده من دستهایش را بلند کرد و گفت: «خدایا شکر». از او سؤال کردم که قضیه چیست؟ گفت از این که دیدم شما هستید و دخترم تحت نظارت شماست، خدا را شکر کردم. اینها چیزهایی بود که مرا از شغلم راضی می کرد.

○ الان چقدر به ورزش می پردازید؟

● از ورزش دور نیستم. با فدراسیون هنیبال و هیأت هنیبال استان همکاری دارم و هفته ای یک روز از ساعت ۶/۵ صبح در کمیته امداد برنامه ورزشی داریم.

○ اگر فرصتی دست می داد که مخاطبانی باشند و شما برای آنها صحبت کنید، درباره ورزش و تربیت بدنی چه می گفتید؟

● می گفتم هر کسی هر کاری می کند باید به کارش ایمان داشته باشد؛ خصوصاً در ورزش و توصیه می کردم که معلمان ورزش به کار خودشان ایمان داشته باشند و همیشه خداوند را بر کارهایشان ناظر بدانند.

من همواره سعی کرده ام از امور خیریه در ورزش و از ورزش در امور خیریه بهره بگیرم.

